

دکتر جرج مدر

روان‌شناسی هنرهای تجسمی

چشم، مغز و هنر

ترجمه‌ی حسن غفاری مهر

با مقدمه‌ای از کمال پسر



انتشارات شهر هنر

۱۳۹۸

سرشناسه: ماطر، جورج، ۱۹۵۵ - م. Mather, George, 1955
 عنوان و نام پدیدآور: روانشناسی هنرهای تجسمی: چشم، مغز و هنر / جرج مدر؛ ترجمه مهرخ غفاری مهر؛
 با مقدمه‌ای از کریم نصر.
 مشخصات نشر: تهران: شهر هنر، ۱۳۹۷.
 مشخصات ظاهری: ۳۰۲ ص: مصور (بخشی رنگی)، نمودار (بخشی رنگی).
 شابک: 978-600-97940-0-3
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
 یادداشت: عنوان اصلی: The psychology of visual art: eye, brain and art, 2014.
 یادداشت: نمایه.
 موضوع: هنر - روان‌شناسی Art - Psychology
 موضوع: ادراک بصری Visual perception
 شناسه افزود: غفاری مهر، مهرخ، ۱۳۳۹ - مترجم Ghafarimehr, Mahrokh
 شناسه افزوده: نصر، کریم، ۱۳۳۱ - تصویرگر
 رده‌بندی کنگره: ۷۱۰۰۰ / م ۹۲ / ۱۳۹۷
 رده‌بندی دیویی: ۷۱ / ۱۵
 شماره کتابشناسی ملی: ۹۷۸۰



انتشارات شهر هنر

نام کتاب: روان‌شناسی هنرهای تجسمی - چشم، مغز و هنر
 نویسنده: دکتر جرج مدر
 مترجم: مهرخ غفاری مهر
 ناظر فنی و کیفی: کامران شاهرخ همدانی
 ویراستار: فریمه فرهنگ‌نیا
 حروفچینی: شبستری
 چاپ و صحافی: نظر
 چاپ اول: ۱۳۹۸
 شمارگان: ۱۱۰۰ جلد
 بها: ۸۵۰/۰۰۰ ریال

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)، بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۳۵۶۱۵

تهران، صندوق پستی ۷۴۸-۱۴۱۸۶

فهرست

۱۱	فهرست تصاویر
۱۷	لوح‌های رنگی
۱۹	مقدمه
۲۳	یادداشت مترجم
۲۵	پیش‌گفتار

(۱) هنر در رهگذر تاریخ

۲۹	مقدمه
۳۳	دوران پیش از تاریخ
۳۵	هنر یونان باستان
۳۶	هنر رنسانس
۳۹	مدرنیسم و انتزاع
۴۳	هنر پست‌مدرن
۴۵	هنر در بافتار
۴۶	نظریه‌های هنر
۴۸	خلاصه و دورنما

(۲) هنر و چشم

۴۹	مقدمه
۵۰	ساختار چشم انسان

۵۳	رمزگذاری متباین در شبکه
۵۸	تطابق
۵۸	نارسایی های بینایی و تأثیر آن در هنر
۶۱	آستیگماتیسم: خطای ال گرکو
۶۳	آب مروارید
۶۴	نارسایی های شبکه و نتایج آن در هنر
۶۴	عیناک شدن شبکه
۶۶	نارسایی رنگ
۶۹	خلاصه

(۳) هنر و علم

۷۱	مقدمه
۷۴	پردازش اطلاعات تصویری و هنر
۸۲	آسیب ها
۸۶	زوال عقل
۸۸	بیماری آلزایمر
۹۰	اختلالات لوب قدامی یا لوب پیشانی - گیجگامی
۹۲	هنرمندان ساوانت
۹۴	تخصصی شدن برای هنر؟
۹۶	خلاصه

(۴) درک مناظر

۹۷	مقدمه
۱۰۰	شما آن چه را می بینید که انتخاب می کنید بینید
۱۰۹	شما آن چه را می دانید، می بینید
۱۱۳	غلبه بردانش اشیا
۱۱۸	خلاصه

(۵) ادراک تصویرها

۱۱۹	مقدمه
۱۲۳	نشانه‌های بینایی در تصویرها
۱۲۶	تصویرها و فرهنگ
۱۲۸	پیشرفت توانش تصویری
۱۳۰	محدودیت‌های درک منظره
۱۳۴	بازتاب‌ها
۱۳۹	تماشاگران به کجای آثار هنری نگاه می‌کنند
۱۴۴	خلاصه

(۶) حرکت در هنر

۱۴۵	مقدمه
۱۴۶	بازنمایی حرکت در تابلوهای ایستا
۱۴۶	حرکت ضمنی
۱۵۶	تاری حرکتی
۱۵۹	نقاشی متحرک
۱۶۴	ادراک کنش
۱۷۰	آپ‌آرت
۱۷۴	خلاصه
۱۷۵	لوح‌های رنگی

(۷) رنگ در هنر

۱۹۳	مقدمه
۱۹۷	رنگ در مغز
۱۹۹	بازنمایی ترکیب طیفی
۲۰۲	نمایش بازتابندگی
۲۰۵	رنگ در هنر
۲۰۹	خلاصه

۸) زیبایی شناسی تجسمی و هنر

۲۱۱	مقدمه
۲۱۳	زیبایی شناسی تجربی
۲۱۶	نظریه های زیبایی هنر تجسمی
۲۱۷	پژوهش های تجربی در مورد رجحان زیبایی شناختی آثار تجسمی
۲۲۲	ریشه ی زیست شناختی دآوری زیبایی شناختی
۲۲۶	کارایی زیبایی شناختی
۲۳۰	خلاصه

۹) زیبایی شناسی تجسمی و طبیعت

۲۳۱	مقدمه
۲۳۲	هنر منظره نگاری
۲۳۸	نیاز به انرژی در مغز
۲۴۰	قاعده مندی در تصویرهای طبیعی
۲۴۵	شیب طیفی
۲۴۸	بعد فراکتال
۲۵۳	یکنواختی مقیاس و پردازش بینایی
۲۵۴	یکنواختی مقیاس و هنر
۲۶۴	ساختار در تصویرهای طبیعی
۲۶۸	خلاصه

۱۰) تکامل در هنر

۲۶۹	مقدمه
۲۷۰	نمایه های تناسب
۲۷۴	بدن انسان در هنر
۲۷۶	نمایه های تناسب انسان
۲۷۸	زیبایی شناسی مرغ آلاچیق ساز

۲۸۰ هنر و نمایه‌ی تناسب

۲۸۵ خلاصه

۲۸۷ پایان سخن

..... آثار هنری

..... مآخذ

..... نمایه‌ی نام‌ها

..... نمایه‌ی موضوع‌ها

www.ketab.ir

مقدمه

کریم نصر

یک اثر هنری مساز، از هر جهت، نشانه‌ی شناخت، دانش، میل، خواسته‌ها و حتی ناخواسته‌های متطبی از تاریخ است که گستره‌ی وسیعی از زندگی مردم را با تصویر، واژه‌ها، موسیقی، حرکت، شیوه‌ی مایی دیگر بیان می‌کند.

هنرمندان، در حقیقت، تمام داشته‌ها و نداشته‌های عصر خود را در رفتار هنرمندانه‌شان بروز می‌دهند و این اثر هنرمندانه لزوماً دانسته نیست؛ شاید به همین دلیل است که آثار هنری را می‌توان با این نام‌های متفاوت و حتی متضاد تفسیر کرد.

هنرمند، ممکن است برای خلق یک اثر، مطالعه و برنامه‌ریزی کند، ده‌ها و حتی صدها پیش طرح آماده کند و پس از بررسی همین جوانب اثر خود، درباره‌ی اجرای نهایی آن تصمیم بگیرد اما به‌رغم تمامی آن تلاش و برنامه‌ریزی‌ها، بخش مهمی از رفتارهای او بر اثر هنری‌اش تحمیل می‌شود؛ رفتارهایی که بخاطر ضرورت‌های تاریخی، در روان او ته‌نشین شده و خارج از خواست، برنامه‌ریزی و اراده‌اش بروز کرده‌اند و در نهایت خود را به شکلی روشن در اثر نهایی نشان می‌دهند.

به همین دلیل، انتظار ما از هنرمندان برای ارائه توضیحی جامع درباره‌ی اهداف و معنای دقیق آثارشان ممکن است زیاده‌خواهی باشد. این‌که اثر هنری مستقل از اراده‌ی هنرمند ویژگی‌های مقطعی تاریخی را بازتاب می‌دهد، از حیرت‌آورترین جنبه‌های هنر است.

آرامش، مدارا، عصبیت، خشم، تشویش، ترس، ناامیدی و هر واکنش و کنش احساسی و تعقلی که روان هنرمند در معرض آن است، در غیرقابل دسترس‌ترین سلول‌های مغز ته‌نشین می‌شود و نهایتاً به اثر هنری انتقال می‌یابد.

هدف از تأکید بر تأثیر ناخودآگاه، به معنای ناتوانی هنرمند در اجرای آگاهانه‌ی ایده‌هایش نیست، بلکه تأکید بر شناخت مکانیزم خلق اثر هنری است؛ یعنی حتی زمانی که هنرمند، دانسته و مسلط بر همه‌ی جوانب، کارش را آغاز می‌کند، نادانستگی‌هایش - آن‌چه تاریخ و فرهنگ در روان او به ودیعه گذاشته است - سایه به سایه‌ی دانسته‌های او بر اثر تحمیل می‌شوند.

بسیاری از هنرمندان، پس از شناخت این مکانیزم، نه تنها بخش‌های ناخواسته‌ی اثر خود را پنهان نمی‌کنند بلکه آن‌ها را به عنوان اتفاقاتی مهم، کاملاً یا با اندکی تغییر، در اثر خود ارائه می‌دهند. نمونه‌های تبعیت هنرمندان بزرگ از ضرورت‌های ساختار اثر هنری در آثار تجسمی، ادبی و موسیقایی بسیارند. نقاشان پیشرو اروپایی در قرن نوزدهم، با کشف نوانا، «فی‌البداهگی» اثر در انتقال احساسات به مخاطب، دوران به کلی نوینی را در تاریخ هنری ریزی کردند که نه تنها در نقاشی بلکه در دیگر حوزه‌های هنر از جمله موسیقی، از مبنای تحولی عظیم شد. «فی‌البداهگی» در هنر قرن بیستم به اساس آفرینش هنر در مرد و بخش خردگرا و خردگریز تبدیل شد. ادبیات نیز از اهمیت «فی‌البداهگی» مافل مانا رئالیسم جادویی، به عنوان یکی از مهم‌ترین جنبش‌های ادبی قرن بیستم براساس ماده از ناخودآگاه تأکید دارد؛ حتی مکتب واقعگرایی، با قبول اهمیت «فی‌البداهگی» گسترش تازه‌ای از واقعیت را کشف کرد. محمود دولت‌آبادی در توصیف شخصیت‌های رمان «دولت‌آباد» می‌گوید، یکی از شخصیت‌های داستان که در طرح اولیه می‌بایست تا انتهای رمان زنده می‌ماند، در میانه‌ی داستان زخمی می‌شود و می‌میرد اما او رمان را به همان صورت، یعنی بدون حضور آن شخصیت، پیش می‌برد.

برخی از هنرمندان، حتی، بدون برنامه‌ریزی و به شکلی اتفاقی به خلق اثر می‌پردازند. این شیوه‌ای است که بسیاری از نویسندگان، شاعران و نقاشان سوررئالیست به آن گرایش دارند. در نهایت می‌شود چنین نتیجه‌گیری کرد که هنرمند به آن‌چه انجام می‌دهد آگاه نیست و حتی، شاید، نمی‌خواهد درباره‌ی آن چیزی بداند، زیرا می‌داند که نادانستگی‌اش بخش مهمی از فرایند تولید اثر است.

کتاب روان‌شناسی هنرهای تجسمی تلاشی است مجدانه و علمی در تبیین رفتارهای هنرمندانه. جرج مَدِر تلاش می‌کند تا روند شکل‌گیری آثار تجسمی را

با تکیه بر داده‌های علم عصب‌شناسی تبیین کند. او در استدلال‌هایش از صدور هر حکم یقینی و قطعی درباره‌ی آثار مورد بررسی‌اش می‌پرهیزد. همین ویژگی، وجه برجسته‌ی این اثر عالمانه است زیرا محقق‌ی چنین متخصص و دقیق می‌داند که چنان حکمی اساساً موجود نیست. تلاش نویسنده بر اثبات این نکته است که بروز هر اتفاق در اثر هنری، زائیده‌ی ساختار مغزی و عصبی هنرمند است و تبیین چگونگی روند شکل‌گیری آن به بررسی دقیق واکنش‌های مغزی و عصبی هنرمند نیاز دارد. کتاب روان‌شناسی هنرهای تجسمی - چشم، مغز و هنر می‌تواند برای کسانی که در جست‌وجوی تبیین علمی رفتارهای هنرمندانه‌اند راهگشا باشد.

کریم نصر

تابستان ۱۳۹۷